

با نام و یاد خدا

کتاب

جامعه شناسی

کلاس یازدهم انسانی

تهیه شده توسط وبسایت [بتافایل](#)



درس ۱: جهان فرهنگی

در سال گذشته مطالبی دربارهٔ جهان اجتماعی و طبیعی، فرهنگ، هویت افراد و جهان اجتماعی آموختید.

به چهار گروه تقسیم شوید و در هر گروه، با توجه به آنچه خوانده‌اید، یکی از پرسش‌های زیر را بررسی کنید. برای هر گروه یک دبیر جلسه و یک نماینده انتخاب کنید. دبیر جلسه خلاصهٔ گفت‌وگوهای اعضای گروه را ثبت می‌کند. نمایندهٔ هر گروه دست نوشته‌های دبیر جلسه را در کلاس می‌خواند.

- تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی چیست؟

- سال گذشته فرهنگ را چگونه تعریف کردید؟

- فرهنگ چه نقشی در هویت‌یابی افراد و جهان اجتماعی دارد؟

- هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد یا لایه‌های سطحی آن (هنجارها و نمادها)؟ چرا؟

نمایندگان گروه‌ها، گروه تلفیق را شکل دهند. اعضای گروه تلفیق دربارهٔ ارتباط مباحث گروه‌ها گفت‌وگو کنند، نتیجه و چکیدهٔ بحث‌شان را ارائه دهند و با راهنمایی دبیر آن را بازبینی کنند.

هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌های بنیادی کدام‌اند؟ چه پاسخی به این پرسش‌ها داده می‌شود؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه روح یا شالودهٔ آن فرهنگ عمل می‌کنند. پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

- هستی‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟

- انسان‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟

- معرفت‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟

پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد. آیا می‌دانید منظور از جهان فرهنگی چیست؟

جهان انسانی

وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنیم، با پدیده‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که این پدیده‌ها در مجموعه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این مجموعه‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیت‌شان “جهان” می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید به این جهان تعلق دارد. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌هایی را که به جهان انسانی تعلق دارند نام ببرید؟

جهان انسانی به دو بخش **فردی** و **اجتماعی** تقسیم می‌شود؛

بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آنها شریک نیستند.

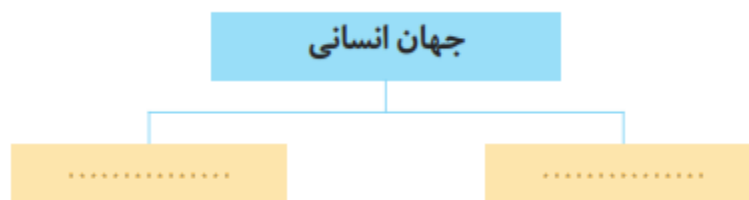
بخش فردی جهان انسانی؛



سه فرد در یک مسابقه، موضوعی واحد را به سه شکل مختلف خلق می‌کنند.

بخش اجتماعی آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. قبلاً آموخته‌اید که این بخش هویت فرهنگی دارد. فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

از این رو، بخش فردی جهان انسانی را **جهان ذهنی** و بخش اجتماعی آن را **جهان فرهنگی** نیز می‌نامند. نمودار زیر را کامل کنید.



وقتی فردی دربارهٔ موضوعی خاص می‌اندیشد، در محدودهٔ فردی و ذهنی خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازهٔ بروز می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.



وقتی فردی کتابی



می‌نویسد یا مجسمه‌ای می‌سازد یا به دیگری مهر می‌ورزد، از جهان فردی به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

گفت‌وگو کنید (صفحه ۵ کتاب درسی)

دربارهٔ راه‌های ورود یک اندیشهٔ فردی به حوزهٔ فرهنگ گفت‌وگو کنید.

اندیشه‌های فردی هنگامی وارد حوزهٔ فرهنگ (حوزه‌ی اجتماعی) می‌شوند که به صورت گفتار یا نوشتار درآیند، یا این که فرد بر اساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار کند؛ مثلاً اندیشه‌های متفکران و مصلحان اجتماعی اغلب به صورت نوشتار یا گفتار به متن جامعه و به حوزهٔ فرهنگ وارد شده است (مانند اندیشه‌های دکتر شریعتی که توسط کتاب‌ها یا سخنرانی‌هایشان به جامعه منتقل شد)، گاهی هم تفکر و اندیشه به واسطهٔ عمل و رفتار افراد به حوزهٔ فرهنگ وارد می‌شود مانند گاندی که مقاومت منفی او در مقابل استعمار انگلیس در هند باعث پیروی جامعه هند از وی شده است.

جهان تکوینی

می‌دانیم که تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند. آیا می‌توانید برخی از این پدیده‌ها را نام ببرید؟ در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد. این جهان، پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است. جهان تکوینی شامل چه بخش‌هایی است؟

جهان هستی و بخش‌های



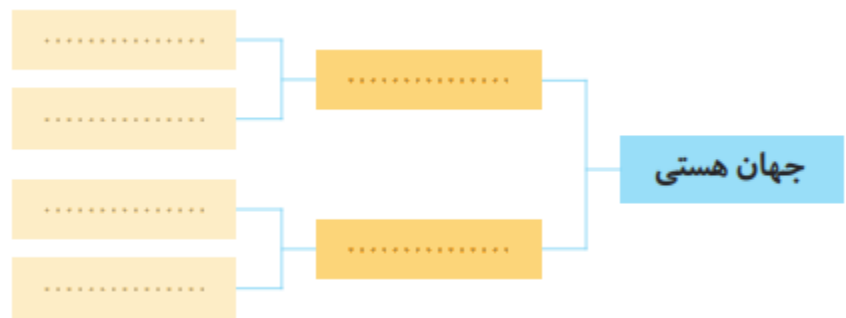
مختلف آن

برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند. آنها طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند. جهان انسانی را به دو جهان ذهنی و فرهنگی تقسیم می‌کنند و به این ترتیب از وجود سه جهان سخن می‌گویند. جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ.

متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

با هم تکمیل کنید (صفحه ۷ کتاب درسی)

با توجه به جهان‌هایی که تاکنون از آنها سخن گفته‌ایم، نمودار زیر را کامل کنید.



تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند. قبلاً از تعامل جهان ذهنی و جهان فرهنگی سخن گفتیم. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. دربارهٔ جهان‌های مختلف و رابطهٔ آنها با هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیا می‌توانید برخی از این دیدگاه‌ها را حدس بزنید؟



هنرمند عضوی از یک فرهنگ

است و آثارش مطابق با نوع فرهنگی است که با آن مناسباتی دارد. هنر را می‌توان بیان ژرف‌ترین فردیت هنرمند دانست. اما این فردیت مجرد از اجتماع نیست.



باغ گلشن

طبعاً؛ باغ‌سازی ایرانی ارتباطی نزدیک با باورهای مذهبی و اعتقادات سازندگان آنها داشته است. باغ تمثیلی است از بهشت جاویدان و برگرفته از آیات قرآن درباره بهشت.

دیدگاه اول: براساس این دیدگاه جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آنها نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند. در این باره، در آینده بیشتر خواهید آموخت.



دیدگاه دوم: گروهی دیگر جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. در این دیدگاه جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست و جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. از این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.



دیدگاه سوم: براساس این دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند. شما کدام یک از دیدگاه‌ها را درست می‌دانید؟ فکر می‌کنید کدام یک فرصت تعامل صحیح انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می‌کند؟

از نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست. ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود و جهان تکوینی بر اساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد. قرآن کریم برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید. در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.



بخوانیم و بدانیم

-از منظر قرآن، هرگاه انسان، اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آنها می‌گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ جامعه هویتی مشرکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها سر باز می‌زنند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می‌کنند.

-برخی دیدگاه‌ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را بپروراند و شکوفا کند. قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، "اغلال و سلاسل" می‌نامد. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

ببیندیشید (صفحه ۹ کتاب درسی)

- وضعیت امروزی محیط‌زیست، محصول چه باورهایی درباره انسان و طبیعت است؟
محصول این تفکر که انسان حق دارد به هر میزان و هر شکل که می‌خواهد از منابع محیط زیست استفاده کند و در قبال طبیعت هیچ مسئولیتی ندارد.

- برخی آیات قرآن کریم مانند آیه ۴۱ سوره روم، آیه ۹۶ سوره اعراف و آیه ۲۷۶ سوره بقره از تعامل فعال جهان تکوینی با جهان فرهنگی سخن می‌گویند. نمونه‌های این تعامل را در این آیات بیابید.
(روم، ۴۱): آشکار شدن فساد در خشکی و دریا به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند.

- تأثیر جهان انسانی (فردی و اجتماعی) بر جهان تکوینی (طبیعی و فوق طبیعی)
(اعراف، ۹۶): گشوده شدن برکات آسمان و زمین در صورتی که اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند.
- تأثیر جهان انسانی (فردی و اجتماعی) بر جهان تکوینی (طبیعی و فوق طبیعی)
(بقره، ۲۷۶): نابودی ربا و افزایش صدقات از جانب خداوند.

- تأثیر جهان فردی بر جهان اجتماع

ببینیم و بدانیم

فیلم سینمایی "بچه‌های آسمان" روایت خواهر و برادری است با خانواده‌ای فقیر و در عین حال شرافتمند که باورهای عمیق مذهبی دارند. انتخاب نام علی و زهرا برای دو قهرمان اصلی داستان، انتخاب نام بچه‌های آسمان برای فیلم، نمایش فقری زیبا و با عظمت و... جلوه‌هایی از نگاه دینی سازنده فیلم است.

این فیلم را ببینید و مصادیق نگاه دینی سازنده فیلم را در آن بیابید و درباره آن گفت‌وگو کنید.



علی و زهرا در

کوچه‌ای که بر سر در آن نوشته شده، "یا صاحب الزمان" کفش‌های خود را تعویض می‌کنند. آنها هر دو صاحب یک جفت کفش هستند.



سكانس باشکوه فیلم

که به فرمان خدا، اجتماع ماهی‌ها به نشانه سپاس از آن همه تلاش مردانه پسر، برپای تاول‌زده او بوسه می‌زنند. این سکانس یکی از معنوی‌ترین سکانس‌های تاریخ سینمای ایران است.

مفاهیم اساسی (صفحه ۱۰ کتاب درسی)

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:

جهان فرهنگی، جهان ذهنی، جهان هستی، جهان انسانی، جهان فردی، جهان اجتماعی، جهان تکوینی، جهان طبیعی، تعامل جهان های ذهنی، فرهنگی و تکوینی و...

خلاصه کنید (صفحه ۱۰ کتاب درسی)

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می‌کنید یا ارتباط آنها را نشان می‌دهید.

- بخش اجتماعی جهان انسانی هویتی فرهنگی دارد و از آن با عنوان جهان فرهنگی یاد می‌شود.
- روح و شالوده هر فرهنگ بر اساس پرسش‌های بنیادین و نحوه پاسخ به آنها تعیین می‌شود.
- بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد.
- بخش فردی جهان انسانی به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد.
- جهان هستی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: (۱) جهان انسانی (۲) جهان تکوینی
- جهان انسانی خود به دو بخش تقسیم می‌شود: (۱) جهان فردی یا ذهنی، (۲) جهان اجتماعی یا فرهنگی
- جهان تکوینی خود به دو بخش طبیعی و فوق‌طبیعی تقسیم می‌شود.
- همه جهان‌ها با یکدیگر در ارتباط هستند ولی در مورد اهمیت جهان‌های مختلف و یا نحوه ارتباط آنها با یکدیگر دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

آنچه از این درس آموختیم (صفحه ۱۰ کتاب درسی)

در این قسمت می‌توانید جمله‌هایی را که در قسمت "خلاصه کنید" نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

در این درس، مفاهیم مختلفی درباره جهان انسانی، جهان اجتماعی، و تعامل آن با جهان تکوینی بررسی شد. انسان‌ها از طریق فرهنگ، هویت اجتماعی و فردی خود را می‌سازند. در عین حال، پرسش‌های بنیادین درباره هستی، انسان و معرفت‌شناسی در شکل‌گیری این هویت‌ها نقش اساسی دارند. علاوه بر این، جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود که هریک نقش خاص خود را در تعامل با فرهنگ و طبیعت دارند. به طور کلی، فرهنگ و افکار فردی از طریق گفتار و نوشتار وارد دنیای اجتماعی می‌شوند و ارتباط میان این جهان‌ها می‌تواند بر زندگی انسانی تأثیرگذار باشد.

درس ۲: فرهنگ جهانی

فرهنگ‌های مختلف، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی، پدید می‌آیند و در زمان واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. عمر برخی از فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است. برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز این گونه‌اند؛ برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این گونه نیستند.

در سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ چه فرهنگ‌هایی شکل گرفته‌اند؟ چه عناصری از این فرهنگ‌ها باقی مانده است؟

فرهنگ نمونه	تداوم تاریخی بالا	گستره جغرافیایی وسیع
ژاپن	+	-
اینکاه‌ها	-	-
اسلام	+	+
مسیحیت	+	+



فرش

پازریک، اثر ایرانی دوره هخامنشی



"تومان" واژه‌ای

مغولی است به معنای ده هزار. در تقسیمات کشوری به ده هزار سرباز "تومان" و به فرمانده آن "امیر تومان" می‌گفتند. "ریال" از کلمه اسپانیایی و پرتغالی real به معنای شاهی و سلطنتی وارد فارسی شد.

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

آموختید که فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آنها برمی‌گردد. یعنی روح و شالوده فرهنگ‌ها متنوع است. فرهنگ‌ها از نظر گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی نیز متنوع‌اند. این آموخته‌ها، زمینه‌ای برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی چیست؟ چرا برخی از فرهنگ‌ها جهانی می‌شوند؟

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد فرهنگ جهانی است.

فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند؛ مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.

برخی فرهنگ‌ها ظرفیت



جهانی شدن ندارند.

در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به‌سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. این فرهنگ‌ها دو گونه‌اند:

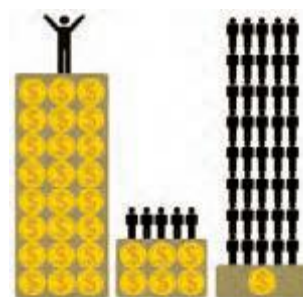
گونه نخست: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است ولی نگاهی سلطه‌جویانه دارد. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و منطقه پیرامونی تقسیم می‌کند. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

فرهنگ صهیونیسم و فرهنگ سرمایه‌داری دو نمونه از این گونه‌اند.

آیا می‌دانید صهیونیسم چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی دارد؟ آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد.



دیوار حائل بتونی در کرانه باختری و نقاشی‌هایی



نابرابری

که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

در مورد فرهنگ سرمایه‌داری چه می‌دانید؟ سرمایه‌داری کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است.

گونه دوم: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

گفت‌وگو کنید (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد. درباره نمونه‌های تاریخی فرهنگ‌هایی که در آنها عقاید و ارزش‌ها با هنجارها و رفتارهایشان سازگار نیست، گفت‌وگو کنید.

به‌طور مثال در حکومت امویان و عباسیان با این که فرهنگ و عقاید اسلامی بود ولی در عمل دنیاگرایی و قوم‌گرایی در رفتار حاکمان و بخش‌هایی از جامعه پیاده می‌شد.

با هم تکمیل کنید (صفحه ۱۴ کتاب درسی)

پیامد	نمونه‌ها	انواع فرهنگ‌ها براساس قابلیت جهانی شدن
گسترش عدالت، معنویت و همبستگی در سطح جهان، توجه به سعادت همه انسان‌ها نه یک قوم خاص	اسلام، تعالیم اصیل ادیان الهی	دارای ارزش‌های عام و جهان شمول
تقسیم جهان به مرکز و پیرامون، سلطه یک قوم یا طبقه بر دیگران، استثمار و نابرابری میان ملت‌ها	صهیونیسم، فرهنگ سرمایه‌داری	دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای با نگاه سلطه‌جویانه

پیامد	نمونه‌ها	انواع فرهنگ‌ها براساس قابلیت جهانی شدن
محدود ماندن در یک منطقه جغرافیایی، حفظ هویت محلی و قومی، نداشتن گسترش جهانی گسترده	فرهنگ‌های محلی و بومی (مثلاً برخی آداب عشایر و اقوام گوناگون)	دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای بدون نگاه سلطه‌جویانه

فرهنگ جهانی مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

“هرکس، فردی را بی‌آنکه مرتکب قتل یا فساد در زمین شده باشد، بکشد، چنان است که گویی همهٔ انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همهٔ مردم را زنده کرده است” (مأئده: ۳۲)

تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک‌دل شاد کرد

(صائب تبریزی)

هم‌زبانی خویشی و پیوندی است
مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست
هم‌دلی از هم‌زبانی به‌ترست
غیرنطق و غیر ایما و سجل
صدهزاران ترجمان خیزد زدل

(مولوی)

نه افغانیم و نه ترک و تتاریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم

تمیز رنگ و بو بر ما حرام است

که ما پروردهٔ یک نوبهاریم

(اقبال لاهوری)

به نظر شما وجه اشتراک مطالب بالا چیست؟ عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آنها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان شمول یاد می‌شود. آیا می‌توانید به برخی از ارزش‌های عام و جهان شمول اشاره کنید؟

- تصور کنید ما انسان‌ها برای تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمال هیچ‌گونه میزان و معیاری نداشتیم در آن صورت، چه وضعیتی پیدا می‌کردیم؟ در چه صورت یک فرهنگ از چنین معیارهایی محروم می‌شود؟ فرهنگ‌هایی که به **حقیقتی** قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه، نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

- آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. او علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهایی ابدی و معنوی دارد. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از **معنویت** که ارزشی جهان شمول است، برخوردار باشد.



- در چه صورت می‌توان از قطبی شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانهٔ برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر و در نتیجه، پایمال شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر پیشگیری کرد؟ چاره این امر، ارزش جهان شمول عدالت است. فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش معتقد و پایبند باشد. "آسمان‌ها و زمین با عدالت پابرجا می‌مانند." (پیامبر اکرم)

- برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینهٔ ظلم بر او را فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی باید آزادی انسان از این قید و بندها را تأمین کند. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

- برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند. آنها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

فرهنگ جهانی باید روحیه **تعهد و مسئولیت** را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینهٔ گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان شمول را فراهم آورد.



در فرهنگ‌های جبرگرا، انسان

نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد و محکوم به سرنوشتی محتوم است.



در طالع‌بینی، خصوصیات

خلقی و رفتاری افراد تحت تأثیر موقعیت اجرام آسمانی و زمان تولد آنها تصور می‌شود.

- فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از **عقلانیت** باشد؛

(۱) ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

(۲) انسان علاوه بر پرسش‌های بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی مواجه می‌شود. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر را داشته باشد و براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.



پیدایش

عرفان‌های دروغین، نوعی پاسخ‌گویی
کاذب به نیازهای معنوی انسان است.



پیرشدن

جمعیت، مسئله امروز بشر است و
جوامع برای پاسخ‌گویی به آن چاره
اندیشی می‌کنند.



یکی از پاسخ‌های امروز بشر
به رشد جمعیت کره زمین و
کمبود منابع، تولید
محصولات تراریخته است.
اصلاح ژنتیکی شاید مزایای
بالقوه فراوانی داشته باشد،
اما بیم و خطرهای نهفته در
آن غیرقابل پیش‌بینی و
محاسبه‌ناپذیر است.

بخوانیم و بدانیم

آیا تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست؟ قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آنها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزه شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. "ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرمای‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست." (حجرات: ۱۳)

مراسم حج نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم، انسان‌ها - از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت - در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار یکدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

گفت‌وگو کنید (صفحه ۱۷ کتاب درسی)

پیش از این، دربارهٔ تناسب زندگی فردی با زندگی فرهنگی سخن گفتیم. اگر فرهنگ جهانی ویژگی‌های جهان شمول گفته شده را داشته باشد، انسان‌هایی که در چنین فرهنگی پرورش می‌یابند چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟ چه انسان‌هایی و با چه ویژگی‌هایی می‌توانند چنین فرهنگی را پدید آورند؟

اگر فرهنگ جهانی بر پایه ارزش‌های جهان‌شمول مانند حقیقت، عدالت، معنویت، آزادی و مسئولیت شکل گرفته باشد، انسان‌هایی که در آن پرورش می‌یابند افرادی حقیقت‌جو، عدالت‌طلب، مسئولیت‌پذیر، آزاداندیش، معنویت‌محور و برخوردار از عقلانیت خواهند بود؛ انسان‌هایی که به شأن و کرامت همه مردم احترام می‌گذارند، در برابر ظلم و بی‌عدالتی مقاومت می‌کنند و به رشد خود و دیگران اهمیت می‌دهند. چنین فرهنگی را نیز انسان‌هایی می‌توانند پدید آورند که دارای اراده‌ای استوار، تفکر عقلانی، ایمان به ارزش‌های مشترک انسانی و تعهد نسبت به سرنوشت جامعه و جهان باشند و بتوانند میان نیازهای مادی و معنوی انسان تعادل برقرار کنند.

با هم تکمیل کنید (صفحه ۱۷ کتاب درسی)

ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهانی	توضیحات
معنویت	توجه به نیازهای معنوی و ابدی انسان و پرهیز از یک‌سویه‌نگری مادی
عدالت	جلوگیری از بهره‌کشی، برقراری برابری و رعایت حقوق همه انسان‌ها
حقیقت‌جویی	اعتقاد به وجود حقیقت و داشتن معیار برای تشخیص درست و نادرست
آزادی	رهایی انسان از قید و بندهای ظلم‌آفرین و فراهم شدن زمینه رشد و کمال

ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهانی	توضیحات
تعهد و مسئولیت	ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر خود، جامعه و سرنوشت بشر
عقلانیت	پاسخ به پرسش‌های ثابت و متغیر بشر

مفاهیم اساسی (صفحه ۱۸ کتاب درسی)

فرهنگ جهانی، تداوم تاریخی، عناصر فرهنگی، صهیونیسم، فرهنگ سرمایه‌داری، حقیقت، معنویت، تعهد و مسئولیت و...

خلاصه کنید (صفحه ۱۸ کتاب درسی)

- فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در پهنه جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.
- فرهنگ‌های مختلف، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند.
- فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن ناظر به قوم یا گروه خاصی است اما از مرزهای خود عبور کرده، نگاهی سلطه جویانه دارد.
- صهیونیسم، آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند.
- سرمایه‌داری، کانون قدرت و ثروت را مورد توجه خود قرار می‌دهد.
- قائل بودن به یک حقیقت، برخوردار از ارزش‌های جهان شمول و... از ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهانی است.

آنچه از این درس آموختیم (صفحه ۱۸ کتاب درسی)

در این درس فهمیدیم که فرهنگ‌ها از نظر تداوم تاریخی و گستره جغرافیایی یکسان نیستند و بعضی از آنها از مرزهای قومی و ملی خود عبور کرده و به "فرهنگ جهانی" تبدیل می‌شوند. فرهنگ جهانی، فرهنگی است که در سطح جهان گسترش می‌یابد؛ اما این جهانی‌شدن دو نوع دارد: یک نوع، فرهنگ‌های سلطه‌جو مانند صهیونیسم

و سرمایه‌داری که ارزش‌های یک قوم یا یک مرکز قدرت را بر دیگران تحمیل می‌کنند و جهان را به مرکز و پیرامون تقسیم کرده، دیگران را به خدمت می‌گیرند؛ نوع دیگر، فرهنگ‌هایی است که بر ارزش‌های عام و جهان‌شمول انسانی مانند حقیقت، معنویت، عدالت، آزادی، تعهد و مسئولیت استوارند و سعادت همه انسان‌ها را می‌خواهند، نه فقط یک قوم یا طبقه خاص. فرهنگ جهانی مطلوب، علاوه بر این ارزش‌ها، باید عقلانی باشد؛ یعنی هم بتواند به پرسش‌های بنیادین انسان درباره انسان و جهان پاسخ درست بدهد و هم در هر دوره تاریخی، پاسخ‌گوی مسائل و نیازهای جدید بشر باشد و در عین حال، ضمن تکیه بر اشتراکات انسانی، تفاوت فرهنگ‌ها و ملت‌ها را نیز به رسمیت بشناسد.



درس ۳: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱

ابونصر محمد فارابی (۳۳۰-۲۶۰ ه.ش) در گونه‌شناسی جوامع، یکی از انواع جوامع جاهلی را جامعه "تغلب" می‌نامد. او در تعریف این نوع جامعه می‌نویسد: در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند و این هنگامی پیش می‌آید که همه آنها، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر باشند. هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. آنها نمی‌خواهند ملت مقهور، مالک جان و مال خود و... باشد. چنین افرادی دوست دارند بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند ولی از آنجا که در یک جامعه مردم برای بقای خود، غلبه بر اقوام دیگر و جلوگیری از غلبه اقوام دیگر بر خود به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگر خودداری کنند. چنین مردمی گمان می‌برند که فقط آنان خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند (و باید باشند) و از همه جوامع دیگر برترند. آنها مردم جوامع دیگر را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند. این‌گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی را تقویت می‌کند. پس، همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کنند. گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به‌دست آورده‌اند، برسند و اصولاً چنین سعادت را نمی‌شناسند.

آیا فارابی با این توضیحات، آرمان و ارزش اجتماعی برتر جامعه تغلب را به شما معرفی کرده است؟ آیا چنین فرهنگی در محدوده مرزهای جغرافیایی و قومی خود باقی می‌ماند؟ اگر چنین فرهنگی در راه جهانی شدن قدم بگذارد، چه آثار و نتایجی در پی دارد؟

جهان‌گشایی و امپراتوری

در طول تاریخ فرهنگ‌هایی از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. برخی از آنها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند. عملکرد فرهنگ سلطه در گذر تاریخ چگونه بوده است؟ نمونه‌های مختلف این فرهنگ کدام‌اند؟

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. در گذشته تاریخ، فرهنگ سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگی به‌وجود آورده است. امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد.

جهان‌گشایی و امپراتوری اغلب با کشتار و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه بوده است. اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید. مغولان برخی شهرها را از دم تیغ گذراندند و حیوانات آنها را نیز نابود کردند.

بخوانیم و بدانیم

در نتیجه تهاجم مغول، شهری که چشم و چراغ تمام ماوراءالنهر و مکان اجتماع فضلا و دانشمندان بود، آنچنان ویران گردید که فراریان معدود این شهر جز جامه‌ای که بر تن داشتند چیزی دیگر نتوانستند با خود برند. یکی از اهالی بخارا که پس از آن واقعه جان سالم به در برده و به خراسان گریخته بود؛ چون حال بخارا را از او پرسیدند؛ جواب داد: "آمدند و کُندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند".

جماعت زیرکان که این تقریر شنیدند، اتفاق کردند که در پارسی موجزتر از این سخن نتواند بود.

(تاریخ جهانگشای جوینی)

آیا غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه است؟ در تاریخ اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند. غلبه نظامی گرچه به‌حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می‌شود، همواره گسترش فرهنگی آنها را به دنبال نمی‌آورد.



بنا و سنگ نوشته‌ای به خط یونانی به‌جا مانده

از سلوکیان، حضور نظامی سلوکیان در ایران منجر به بسط فرهنگی آنان نشد.

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به‌خدمت گیرد.

ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی‌شان داشتند اما جهان‌گشایی‌ها به جهانی شدن فرهنگ آنان منجر نشد.

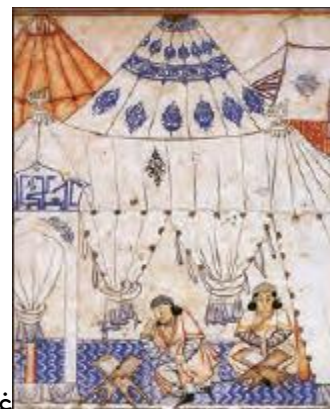
مغولان نیز با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ آنها، قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی‌های جهانی شدن را نداشت. آنان به‌سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار می‌گرفتند که به لحاظ نظامی

از آنان شکست خورده بودند. این‌گونه بود که امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب، هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به‌صورت سه حکومت مستقل درآمد.



به دستور

غازان‌خان شهادتین (لا اله الا الله، محمد رسول الله) بر دو سوی سکه‌ها ضرب شد.



غازان‌خان در

حال قرائت قرآن، او هفتمین ایلخان از سلسله ایلخانیان ایران بود که به اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.



مسجد جامع النوری و منارة الحدباء،

نماد شهر موصل با سابقه تاریخی ۸۰۰ ساله که توسط داعش منهدم شد.



تصاویر

مسجد الاقصی و قبة الصخرة در حاشیه دامن وزیر فرهنگ و ورزش رژیم اشغالگر صهیونیستی در جشنواره سینمایی کن. با هدف تأکید بر این ادعا که بیت المقدس، پایتخت تاریخی و همیشگی اسرائیل به شمار می‌رود.

به نظر شما فرهنگ سلطه به دنبال چه نوع تأثیرات فرهنگی بر جوامع مغلوب است؟ چرا؟
به دنبال تأثیراتی است که جوامع مغلوب را شیفته و مرعوب خود کند؛ زیرا از این طریق می‌تواند سیاست و اقتصاد آن جوامع را به خود وابسته کند.

امپریالیسم و استعمار

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است. از سلطه غرب با نام‌هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد کرده‌اند. درباره این دو واژه چه می‌دانید؟



سربازان آفریقایی ارتش



استفاده یک آمریکایی

مستعمراتی فرانسه در آفریقا

از کودک آفریقایی به جای صندلی

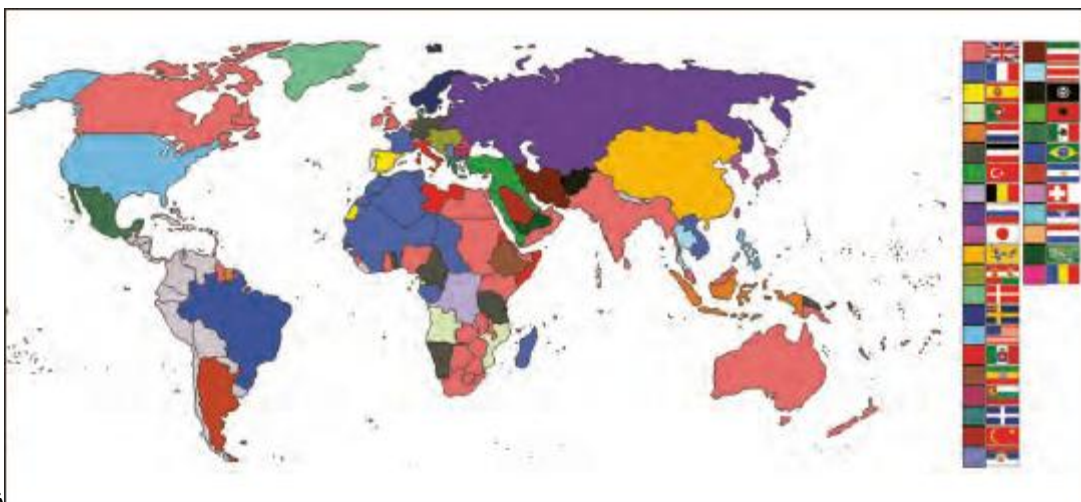
واژه **امپریالیسم** از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود. امپریالیسم چه اشکال و انواعی دارد؟

امپریالیسم سیاسی از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد.

در امپریالیسم اقتصادی قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.

در امپریالیسم فرهنگی، مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است، از بین می‌رود و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه مسلط را نیز می‌پذیرد. **استعمار** به معنای اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی است. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده

شده را مستعمره می‌نامند. استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در این مدت، تصرفات اروپاییان از ۳۵ درصد کره زمین به ۶۷ درصد رسید.



نقشه مستعمرات در

جهان، ۱۹۱۴

موفقیت‌های استعمار در این دوران ناشی از پیشرفت در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود. استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا، برای تأمین سلطه خود، به نسل‌کشی دست زدند و شمار زیادی از ساکنان بومی را از بین بردند. آنها در یک دوره پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.



بنای یادبود تجارت برده و

تندیس‌های به‌کار رفته در آن در امتداد جاده بردگان در غرب کشور بنین در قاره آفریقا؛ این بنا یادآور آفریقایی‌هایی است که در قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی ربوده و به غرب فروخته شدند.

بینیم و بدانیم

مستند "انگلیسی‌ها و تجارت برده" به بررسی تاریخ سیاه تجارت برده در انگلستان می‌پردازد. با تماشای این مستند به آثار و پیامدهای بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ، در اروپا و آفریقا پی می‌برید.

سلطه جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطه نظامی محدود نشد بلکه به مرور اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.

استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال طلبانه کشورهای مستعمره، طی قرن بیستم به وجود آمد. در استعمار نو، کشورهای استعمارگر با استفاده از شرایط مساعدی که در دوره استعمار ایجاد کرده‌اند، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره، برای رسیدن به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته به خود، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند. کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و همچنین کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی دو نمونه موفق از کودتاهای استعمار نو به شمار می‌روند و کودتای آمریکایی - انگلیسی نوژه، که به قصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران طراحی شده بود، نمونه شکست خورده این‌گونه کودتاهاست.



تبلیغات شرکت‌های تجاری در هند

و نیجریه

در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

در **استعمار فرا نو** استعمارگران بیش از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی از ابزارهای فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات استفاده می‌کنند.



زبان فارسی پیش از

آنکه هندوستان مستعمره انگلستان شود، دومین زبان رسمی و زبان فرهنگی و علمی این کشور بود. در سال ۱۸۳۶ م، انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را زبان رسمی هند کردند.



استفاده از ابزار رسانه‌ای در قالب بازی‌های رایانه‌ای؛ بازی رایانه‌ای که در آن حمله به ایران و مناطقی از تهران شبیه‌سازی شده است.

در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار داشتند اما در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند. در استعمار فرا نو، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.

جهان غرب در استعمار فرا نو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و باورها و ارزش‌های فرهنگی خود را تبلیغ و ترویج می‌کند.

مردمی که برتری فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جست‌وجو می‌کنند و به مسیری می‌روند که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند.

گفت‌وگو کنید (صفحه ۲۵ کتاب درسی)

مفاهیمی چون تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی به کدامیک از مراحل استعمار مرتبط‌اند؟ به نظر شما کشور ما برای مقابله با این شکل از استعمار چه ظرفیت‌هایی دارد؟ **کشور ما دارای فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی و مردم و جوانانی با عزت و غیرت است که با روحیه تلاشگری خود می‌توانند در حفظ فرهنگ خود و مقابله با استعمار بکوشند.**

با هم تکمیل کنید (صفحه ۲۵ کتاب درسی)

توضیحات	ابزارها	انواع استعمار
استعمارگران آشکار و مجریان آشکار	قدرت نظامی، اشغال سرزمین، حضور مستقیم نیروهای نظامی	استعمار قدیم
استعمارگران پنهان و مجریان آشکار	دولت‌های وابسته، کودتا، نفوذ سیاسی و اقتصادی	استعمار نو
استعمارگران پنهان و مجریان پنهان	رسانه‌ها، فناوری اطلاعات، نفوذ فرهنگی و علمی	استعمار فرا نو

مفاهیم اساسی (صفحه ۲۶ کتاب درسی)

فرهنگ سلطه، جهان‌گشایی، امپریالیسم، استعمار نو، استعمار فرا نو جامعه تغلب، چیرگی، سلطه و استکبار، جهان‌گشایی و امپراتوری، امپریالیسم سیاسی، امپریالیسم اقتصادی، امپریالیسم فرهنگی، استعمار قدیم، استعمار نو، استعمار فرانو و...

خلاصه کنید (صفحه ۲۶ کتاب درسی)

- امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود و می‌تواند صورت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشد.
- دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته از کودتای نظامی استفاده می‌کنند.
- برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند.
- در گذشته تاریخ، فرهنگ سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگ را به‌وجود آورده است.
- اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را فرهنگ غرب می‌نامند.
- اشکال مختلف سلطه در فرهنگ غرب، امپریالیسم و استعمار است.